

تحلیل ژرف‌ساختهای معنایی خبر در منتخبی از شعر شاعران معاصر

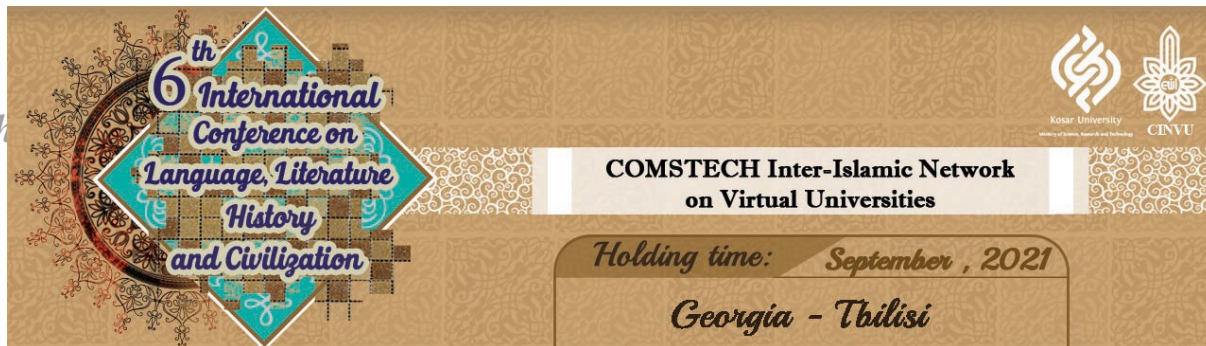
محبوبه همتیان

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

چکیده

بررسی و تحلیل ژرف‌ساختهای معنایی اقسام گزاره‌ها، یکی از ویژگی‌هایی است که در تحلیل سبکی متون در نظر گرفته می‌شود. این معانی و مقاصد در ارتباطی مستقیم با ویژگی‌های شخصیتی شاعر یا نویسنده و بافت موقعیتی است که کلام در آن شکل می‌گیرد. مقاصد یا اغراض ثانوی گزاره‌های خبری و انشایی یکی از موضوعات اصلی علم معانی در مجموعه علوم بلاغی است. در این دانش بر مبنای دسته‌بندی گزاره‌ها به خبری و انشایی و تفکیک اقسام جمله‌های انشایی، برای هر نوع از جمله معانی یا اغراضی تعریف شده است. بررسی این مقاصد و تحلیل چگونگی شرایط کاربرد آنها می‌تواند از ویژگی‌های خاص سبک شاعران یا نویسندگان یک دوره به شمار آید و چه بسا همین ویژگی و چه تمایز سبک شناختی دوره‌های شعری است. در این پژوهش با انتخاب شاعرانی نوگرا در دوره معاصر سعی شده است از میان شاعران معاصر نیما یوشیج به عنوان یکی از جریان‌سازان شعر دوره معاصر و سهراب سپهری و اخوان ثالث از مهمترین پیروان مکتب او و شاملو یکی از شاعران جریان سمبولیسم جامعه‌گرا و از پیروان سبک و شیوه‌نیهایی انتخاب شده است سپس با بررسی ژرف‌ساختهای معنایی در گزاره‌های خبری در شعر آنها زمینه‌های ایجاد این مقاصد و معانی ثانوی تبیین شود و این ویژگی سبکی در شعر آنها تحلیل و تبیین می‌شود.

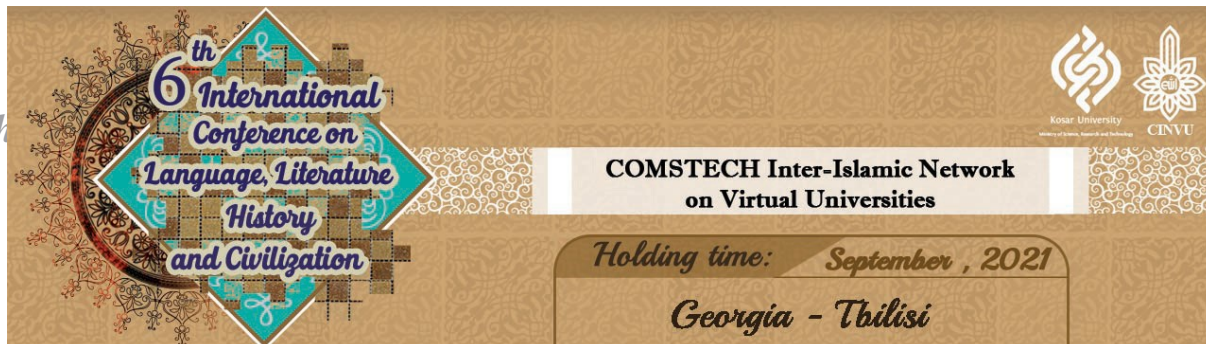
کلید واژه: جمله‌های خبری، مقاصد ثانوی، ویژگی سبک‌شناسانه، منتخبی از شاعران معاصر



مقدمه

موضوع اغراض یا مقاصد ثانوی اقسام جمله ها، یکی از موضوعات اصلی و ابواب هشتگانه علم معانی است. تأمل در تعاریفی که برای این علم در کتابهای بلاغی وجود دارد نشان می دهد در اصل علم معانی علم به اغراض نحو دانسته شده است (جرجانی، ۱۴۲۲: ۲۳۹) یعنی در این علم با تأمل در ساختارهای نحوی جمله مقاصد و مفاهیمی که در ورای این ساختار و متأثر از جنبش جمه ایجاد شده است بررسی می شود. در حقیقت علت نام گذاری این علم همین پرداختن به معانی و مقاصد جمله ها است اما مقصود از این معانی، معانی اولی یعنی معانی اصلی کلام نیست بلکه معانی و مقاصد دیگری مراد است که در ورای ظاهر کلام و به عبارتی از ژرف ساخت کلام درک می شود (همایی، ۱۳۷۳: ۸۸-۸۷؛ شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۵) بنابراین موضوع اصلی این علم همین مقاصد و اغراض ثانوی است (هاشمی، ۱۴۲۵: ۵۱؛ ۴۹) این مفاهیم و اغراضی که در ژرفای کلام ایجاد می شود متناسب با شرایط گوناگون است گاهی شاعر یا نویسنده متناسب با شرایط محیط و بافت موقعیتی که در آن قرار گرفته است و به اقتضای مخاطب خاص یا عامی که در نظر دارد مفاهیمی را در کلامش ایجاد می کند. در حقیقت نویسنده یا شاعر ساختارهای ظاهری کلامش را به نحوی تنظیم می کند که مفاهیمی متناسب با شرایط و حال مخاطبش و مطابق با بافت موقعیتی جامعه در کلام خویش ارائه دهد. گاهی نیز این مفاهیم عمیق متناسب با ویژگی ها و احوال خود شاعر یا نویسنده در کلام ایجاد می شود و به نوعی این مفاهیم بر مبنای حال خود گوینده کلام شکل می گیرد و به عبارتی گویای حال خود گوینده است. بنابراین در علم معانی ویژگی های کلام از جمله این مقاصد یا اغراض ثانوی و کیفیت مطابقت آن با همین شرایط و اقتضات شناخته می شود (خطیب قزوینی، ۳۷؛ تفتازانی، ۱۴۲۵: ۱۳۹؛ مازندرانی، ۱۳۷۶: ۴۵؛ تقوی، ۱۳۶۳: ۲۰) در این صورت دریافت معانی و اغراض ثانوی و درک شرایط ایجاد آن در کلام بخشی از اطلاعات لازم برای شناخت متن و خالق آن متن است و از معیارهای سبک شناختی برای تشخیص سبک هر شاعر یا نویسنده و چه بسا حد ممیز او از شاعران و نویسندگان دیگر است حتی زمانی که شاعران یا نویسندگان از یک مکتب یا جریان فکری باشند.

در این پژوهش از بین شاعران معاصر شاعرانی انتخاب شده اند که در رویکردها و جریان های شعری معاصر منسوب به یک جریان شعری هستند. تحولاتی که در دوره معاصر در ساختار و طول مصراعها و نفی تساوی آنها، تغییر جایگاه ذکر قافیه و عدم لزوم ذکر آن در پایان همه مصراعها، شکستن قید وزن عروضی و عدم تساوی طول مصراعها و ویژگی های دیگر شعر دوره معاصر (رک. یاحقی، ۱۳۸۲: ۵۳ و ۵۴) این تغییرات به صورت چشمگیر در شعر نیمه های شیب نمایان شد پس از این تغییرات در ساخت شعر معاصر بیشتر شد تا جایی که در شعر شاملو بیشتر از دیگر پیروان نیمه شعر به نثر نزدیک می شود (یاحقی، همان: ۱۰۶) شعر نیمه به نوعی شعر نمادین و جامعه گرا است که در بین پیروان او می توان اخوان ثالث، سهراب سپهری و احمد شاملو را پیرو همین سبک و شیوه دانست. در این پژوهش از بین شاعران جریان های شعری معاصر نیمه به عنوان آغازگر این جریان انتخاب شده است و با عنایت به اینکه نیمه از مشهورترین شاعران جریان سمبولیسم اجتماعی یا نمادگرایی اجتماعی به شمار می آید (رک. حسین پور جافی، ۱۳۹۰: ۲۳۱) از میان شاگردان مکتب او کسانی انتخاب شدند که آنها نیز از شاعران همین جریان سمبولیسم اجتماعی هستند تا زمینه ای فراهم شود که با



بررسی و تأمل در ژرف ساختارهای معنایی اشعار آنها تفاوتها و شباهت های سبک شناختی این شاعران تحلیل و تبیین شود. از سوی دیگر این پژوهش در صدد ارائه یکی از ظرفیتهای علم معانی در زمینه تبیین ویژگی ها و شاخصه های سبکی است.

پیشینه

در زمینه بررسی مقاصد ثانوی در اقسام جمله های خبری یا انشایی پژوهشهای بسیاری صورت گرفته است اما با رویکرد سبک شناسانه کمتر به اغراض ثانوی پرداخته شده است. فقط در مقاله ای با عنوان «بررسی و تحلیل ژرف ساختارهای معنایی خبر، شاخصه مهم سبک شناسانه اشعار دوره های خراسانی و عراقی» سیر تحول مضامین شعری در جمله های خبری در دوره های خراسانی و عراقی بررسی و تحلیل شده و ویژگی های هر شاعر و هر دوره و تفاوتی سبکی آنها تبیین شده است. در پژوهش حاضر نیز با بررسی ژرف ساختارهای معنایی در جمله های خبری در منتخبی از شاعران اجتماعی معاصر بررسی و تحلیل و تفاوت های سبک شخصی آنها تبیین شده است.

۱- سیر مقاصد ثانوی جمله های خبری در شعر شاعران نیمایی

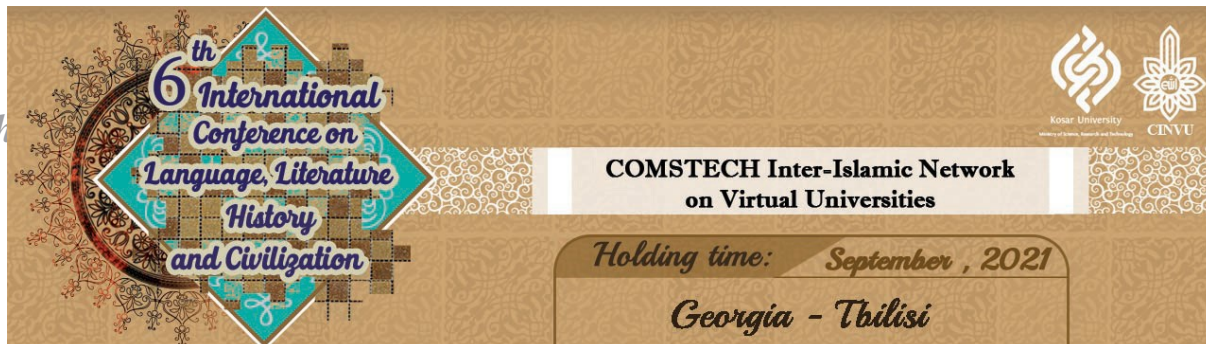
در تاریخ ادبیات فارسی در دوره مشروطیت ادبیات برای نخستین بار به مفهوم واقعی مردمی می شود و شاعران شعر خود را در خدمت مسائل سیاسی و اجتماعی قرار می دهند. در این دوره شاعران بزرگی هستند که به مسائل سیاسی روز توجه می کنند (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۴۰).

جریان حقیقی تغییر سبک با نیمایوشیخ آغاز شد. در این شیوه، شعر در هر سه سطح زبان و فکر و ادبیات دچار تحول بنیادی شد و از شعر سنتی کاملاً متمایز گردید. البته ریشه های هر سه سبک مهم شعر فارسی را می توان در شعر نو ردیابی کرد به عنوان مثال نشانه هایی از سبک خراسانی در نیما و شاملو و اخوان و نشانه هایی از سبک عراقی در فروغ و سهراب سپهری نشانه هایی از سبک هندی در شعر موج نو دیده می شود. اما نشانه های شعر دوره بازگشت در شعر شاعرانی چون ملک الشعرای بهار قابل ردیابی است. (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۴۳) نکته قابل توجه در شعر این دوره عنایتی است که شاعران به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان خود دارند. همانگونه که ذکر شد از میان این شاعران در این پژوهش اشعار نیما یوشیخ، اخوان ثالث، سهراب سپهری و احمد شاملو بررسی و تحلیل شده است.

۱-۱- تحلیل و بررسی مقاصد ثانوی خبر در شعر نیمایوشیخ

علی اسفندیاری معروف به نیمایوشیخ در واقع جریان حقیقی تغییر سبک را از همه جدی تر دنبال کرد و ملقب به پدر شعر نو گردید، او را باید آغازگر سبک نوین دانست (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۴۳ و ۳۴۴).

به نظر می رسد در شعر نیما معمولاً یک حالت روایت گونه وجود دارد و شعرش مانند یک داستان جریان دارد. در اغلب آنها گوینده و مخاطب در یک فضای داستانی قرار دارد و این ابیات بین شخصیت های داستان در جریان یک واقعه رد و



بدل شده است. در واقع از نظر محتوا، نیما شعر را نوعی زیستن می دانست، از نظر او شاعر کسی است که چکیدهٔ زمان خود باشد و بتواند ارزشها و ملاکهای زمان را در شعر خود منعکس سازد بر این اساس نیما برای شعر زمانهٔ خود نوعی محتوای اجتماعی پیشنهاد می کرد. (یا حقی، ۱۳۸۲: ۵۳)

این اندیشه و فکر نیما و این نوع نگرشش به شعر در بررسی مقاصد ثانوی جملاتش کاملاً نمایان است و تقریباً سر تا سر شعرش سرشار از همین مضمون است.

مقاصد ثانوی که در شعر او بیشترین کاربرد و بسامد را دارد:

نیما یوشیج: اظهار تأثر و غم و اندوه ۷۲ - بیان بشارت و اظهار شادی و نشاط ۱۴ - اظهار اضطراب و نگرانی ۴ - استرحام یا طلب یاری و کمک ۴ - هشدار ۳ - تحقیر ۲ - ترغیب و تشویق ۲ - توبیخ و ملامت ۱.

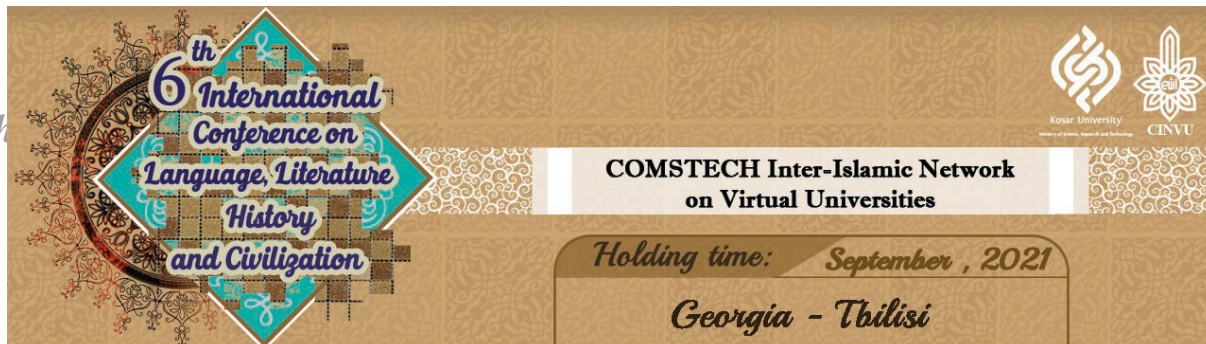
اظهار تأثر و غم و اندوه	بیان بشارت و اظهار شادی و نشاط	اظهار اضطراب و نگرانی	استرحام یا طلب یاری و کمک
۷۲	۱۴	۴	۴
هشدار	تحقیر	ترغیب و تشویق	توبیخ و ملامت
۳	۲	۲	۱

نیما سعی کرده است مسائل و معضلات جامعه عصر خود را در شعرش منعکس کند و برای آگاهی و بیداری مردم تلاش کند. او اغلب از ناآگاهی و غفلت مردم و مشکلات آنها اظهار غم و اندوه می کند به حدی که فضای شعر او اغلب فضایی پر از اندوه و حسرت است و همانگونه که ذکر شد با زبانی نهادین و در قالب گفتگو هایی یا داستانهایی که طراحی می کند دغدغه های خود را در این زمینه بیان می کند و در همین قالب است که به آمدن صبح بشارت می دهد و از سر زدن سپیدهٔ سحر شادمانی می کند. نیما در شعرش از اینکه مبادا بدجویی در فکر از بین بردن سپیدی روز با شد مضطرب و نگران است و از دیگران برای حفظ روشنایی و دفع تیرگی طلب یاری می کند و به مخاطب هشدار می دهد که نشناخته به دیگران اطمینان نکند. و در سراسر شعرش تمام این عناصر طبیعت که از آنها یاد می کند حالت نهادین دارند.

در مجموع شعر نیما، شعری است نمادین که اغلب هدفش تلاش برای رفع مشکلات جامعه است و تقریباً اغلب مقاصد جملات خبری در شعرش پیرامون همین مسأله است.

۲-۱- تحلیل و بررسی مقاصد ثانوی خبر در شعر سهراب سپهری

سهراب سپهری در میان انبوه شاعران نیمایی پیش از انقلاب، وجودی استثنایی بود که از همهٔ جنجالهای رو شنفکرانه و غرب گرایانه کنار کشید. او همچون شاعری انزوا طلب در عرصهٔ شعر نیمای مطرح شد. (یا حقی، ۱۳۸۲: ۱۱۹ و ۱۲۳)



دقت در کیفیت و بسامد مقاصد ثانوی جملات خبری در شعر سپهری نشان می دهد که بر خلاف نیما، شعر سپهری بیشتر بیان عواطف و احساسات درون شاعر است اگرچه رویکرد او به مسائل اجتماعی کمی با شاعران دیگر در این زمینه متفاوت است و در این پژوهش به جنبه هایی از آن پرداخته شده است. شعر سهراب به اشعار غنایی سبک عراقی شبیه است که صرفاً حالت درونی شاعر را بیان می کند و در شعر او نشانه هایی از این سبک دیده می شود (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۴۳)

مقاصد ثانوی که در شعر او بیشترین کاربرد و بسامد را دارد:

سهراب سپهری: اظهار تأثر و غم و اندوه ۴۲ - بیان بشارت و اظهار شادی و نشاط ۱۰ - اظهار امیدواری ۹ - اظهار یای و ناامیدی ۶ - استرحام ۶ - اظهار عجز و ناتوانی ۲ - هشدار ۲.

اظهار تأثر و غم و اندوه	بیان بشارت و اظهار شادی و نشاط	اظهار امیدواری	اظهار یأس و ناامیدی	استرحام	اظهار عجز و ناتوانی	هشدار
۴۲	۱۰	۹	۶	۶	۲	۲

در واقع شعر سهراب دنباله شعر سبک عراقی در سبک نیمایی است زیرا همان فضای غنایی شعرهای سبک عراقی در سروده های او دیده می شود. در عصری که اغلب شاعران حوادث اجتماع را در شعر خویش منعکس می کنند، سهراب بیشتر عواطف و احساسات درونی خود را منعکس می کند و گویی تنهایی و غم و اندوه در شعر او انعکاس زیادی دارد. اکثر جملات خبری سهراب غم و اندوه او را اظهار می کنند و در کنار آن اظهار عجز و ناتوانی و یأس و ناامیدی در شعر او راه یافته است.

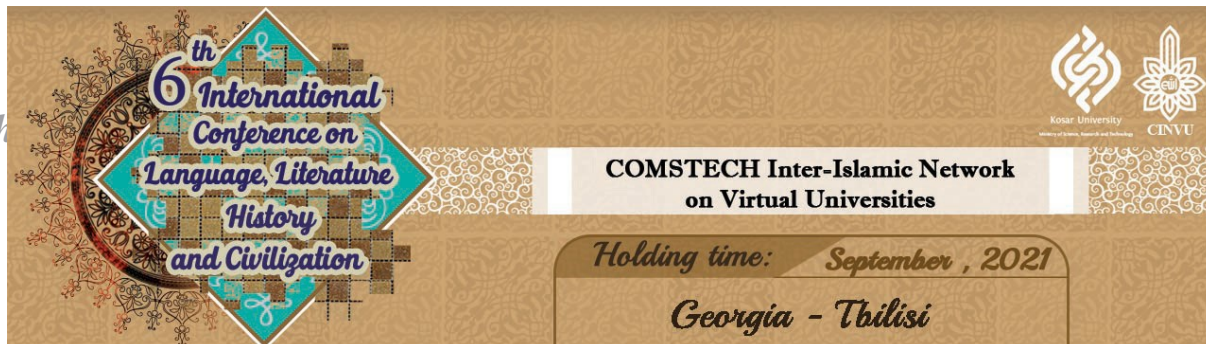
البته در لابه لای جملات اندوهگین سهراب گاه نشانه هایی از امید و شادی و نشاط نیز دیده می شود، ولی خیلی کوتاه و موقتی اند.

استرحام در شعر سهراب اغلب رنگ و بوی مهرجویی و طلب رحم و شفقت را دارد و بیشتر شبیه کاربرد استرحام در اشعار سبک عراقی است برخلاف کاربرد این مفهوم در شعر نیما که جملاتی در شعر او که حاوی این مقصود بود بیشتر مفهوم طلب یاری و کمک برای نجات جامعه و مردم ناآگاه را داشت تا طلب مهر و محبت مخاطب.

در مجموع به نظر می رسد شعر سهراب، شعری است درون گرا که در آن احساس پررنگ است و کمتر از قالب درون شاعر بیرون می آید و این فضا در شعر او کاملاً از مقاصد ثانوی جملاتش قابل درک است.

۳-۱- تحلیل و بررسی مقاصد ثانوی خبر در شعر اخوان ثالث

اخوان ثالث یکی از وفادارترین یاران و پیروان نیما یوشیج است. او به شکل تازه شعر حماسی و اجتماعی دست یافته است. صلابت و سنگینی شعر خراسانی و توجه او به سنتهای حماسی و اساطیری کهن و علاقه ویژه اش به زبان حماسی و



فکر فردوسی، از نشانه های سبک شاعری اوست. بنابراین تأثیر ذهن و زبان شاهنامه در بیشتر اشعار او آشکار است به طوری که شیوه شاعری او را می توان «سبک خراسانی نوین» نامید. اخوان در برخی از اشعارش زبان حال مردم دوران خود و خفقان سیاسی آن عصر را منعکس کرده است. گاهی نیز اشعارش نمودار یأس و ناامیدی شاعر از اوضاع اجتماعی و سیاسی روزگار خود است. (یاحقی، ۱۳۸۲: ۹۶-۹۳) البته نشانه هایی از سبک خراسانی نیز در شعر اخوان دیده می شود (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۴۳)

مقاصد ثانوی که در شعر او بیشترین کاربرد و بسامد را دارد:

مهدی اخوان ثالث: اظهار حسرت و غم و اندوه ۶۶ - بیان بشارت و اظهار شادی و نشاط ۱۲ - تعریض ۹ - توییح و کلامت ۴ - تحقیر ۴ - اظهار یأس و ناامیدی ۳.

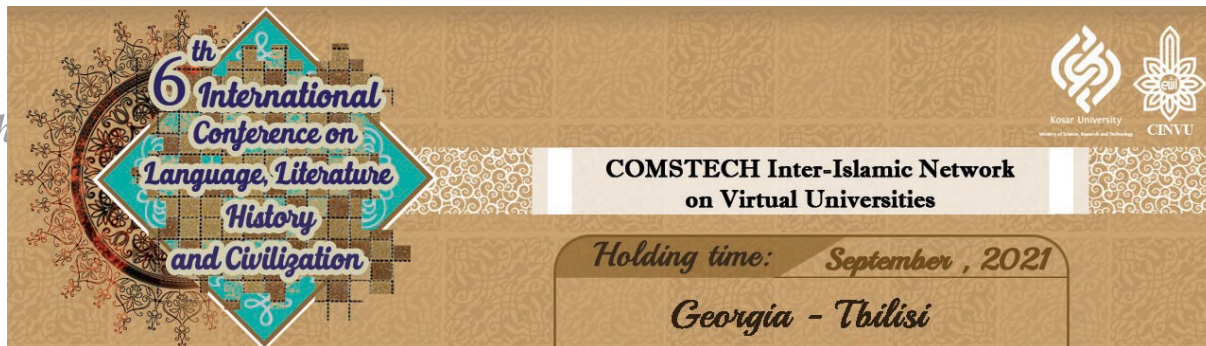
اظهار حسرت و غم و اندوه	بیان بشارت و اظهار شادی	تعریض	هشدار	توییح و ملامت	تحقیر	اظهار یأس و ناامیدی
۶۶	۱۲	۹	۷	۴	۴	۳

اکثر جملات شعر اخوان فضای پر از غم و اندوه و یأس و ناامیدی را ترسیم می کند که انعکاس فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر دوران اوست.

گاه این فضا را در قالب داستانی و از زبان شخصیت های ساختگی آن نمایان می سازد. در برخی قسمت ها قهرمان داستان سیاهی و اهریمن را شکست می دهد و شهر ویران را دگرگون می سازد اینجاست که روح شادی و نشاط در شعر او موج می زند و از لحن حماسی و اصطلاحات شاهنامه فردوسی و نمادهای حماسی و مبارزان چون کاوه که علیه ظلم و ظالم قیام کردند استفاده می کند.

به مناسبت فضای سیاسی و اجتماعی شعر اخوان بعضاً تعریض هایی نیز در کلامش وجود دارد که ضمن اشاره به فساد اجتماعی و خفقان سیاسی زمان خود، به نظر می رسد به اشخاص خاصی اشاره دارد یا افرادی دارای چنین ویژگی هایی را به طور عموم مورد خطاب قرار می دهد. البته معمولاً این مطالب را نیز در شکل داستان و به شیوه روایت بیان می کند. اخوان در سرزنش هایش نیز عموماً به تباهی ها و مشکلات البته به صورت نمادین اشاره دارد و درختان عقیم یا برگ های چرکین را مورد خطاب خود قرار می دهد که همه نماد اوضاع نابسامان اجتماع زمان اوست که به قول خود شاعر هیچ بارانی نمی تواند آنها را بشوید.

در مجموع فضای حاکم بر شعر اخوان غم و اندوه ناشی از مشکلات سیاسی و اجتماعی جامعه و یأس و ناامیدی شاعر از این مسائل است و سایر مقاصد ثانوی که از کلام او فهمیده می شود اغلب پیرامون همین مسئله مطرح شده است، البته گاهی با روحیه حماسی برخی شخصیت های داستانش این حزن و اندوه می تواند به شادی و نشاط تبدیل شود.



۴-۱- تحلیل و بررسی مقاصد ثانوی خبر در شعر احمد شاملو

احمد شاملو یکی از مستعدترین پیروان صاحب سبک نیما با روشی مستقل در کار شاعری است. ویژگی عمده اکثر شعرهای او از لحاظ محتوا نوعی تفکر اجتماعی - فلسفی است. شعر او بیشتر از همه پیروان نیما به نثر نزدیک است. آهنگ سخن او گاه به نثرهای سده های چهارم و پنجم هجری نزدیک می شود و به نظر می رسد نثر بیهقی بر شعر شاملو تأثیر گذاشته است. (یا حقی، ۱۳۸۲: ۱۰۶ و ۱۰۷)

شاملو در شعرش گاه از زبان خود به عنوان اول شخص سخن می گوید و گاه با پرداختن یک داستان از زبان شخصیت های داستان مطالب خود را نقل می کند.

شعرهای شاملو در دوره نیمایی شعر نویی است که نشانه هایی از سبک خراسانی در آن دیده می شود (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۴۳)

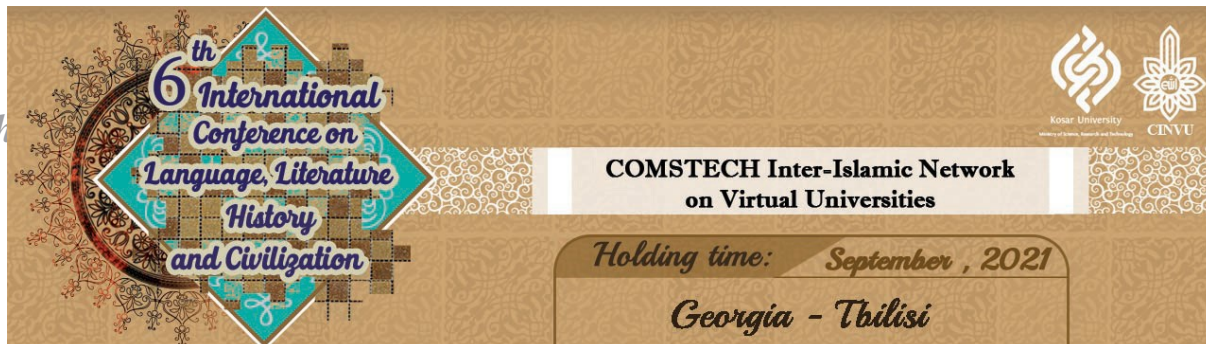
مقاصد ثانوی که در شعر او بیشترین کاربرد و بسامد را دارد:

احمد شاملو: اظهار حسرت و غم و اندوه ۳۳ - تویخ و ملامت ۱۰ - تشویق کردن و امید دادن ۷ - بیان بشارت و اظهار شادی و نشاط ۶ - هشدار ۶ - اظهار عجز و ناتوانی و استرحام ۵ - مدح و ستایش و تعظیم و بزرگداشت ۵ - تعریض ۲ - اظهار تشویش و نگرانی ۲ - مفاخره ۱.

هشدار	بیان بشارت و اظهار شادی و نشاط	تشویق کردن و امید دادن	تویخ و ملامت	اظهار حسرت و غم و اندوه
۶	۶	۷	۱۰	۳۳
مفاخره	اظهار تشویش و نگرانی	تعریض	مدح و ستایش و تعظیم و بزرگداشت	اظهار عجز و ناتوانی و استرحام
۱	۲	۲	۵	۵

در شعر شاملو نیز اکثر جملات یک حزن و اندوهی را در ورای ظاهر خود به خواننده القا می کند و نشان دهنده غم و حسرت گوینده آن جملات است. این غم شاید ناشی از وضعیت جامعه در آن دوران باشد و شرایط سیاسی و اجتماعی آن روزگار این شرایط را در شعر او ایجاد کرده باشد. البته گاه شاملو این غم را از زبان خویش و در بیان احوال خویش بیان می کند و گاه از زبان شخصیت داستانهای شعرش تأثر خود را از عوامل مختلف می سراید. گاهی نیز این تأثر و اندوه به تشویش و نگرانی از آینده تبدیل می شود.

آنجایی که شاملو زبان به سرزنش می گشاید در برخی از شعرهای مخالفان شیوه شاعری خود را سرزنش می کند و به آنها عتاب می کند که «رنج شما از ناتوانی خویش است در قلمرو دریافتن» در خلال همین شعرهای اندوهگین گاه شاملو لحنی متفاوت می یابد و به مخاطب امید رهایی می دهد و او را به رفتن و تلاش برای رهایی تشویق می کند و کلامش سرشار از بشارت و شادی می شود؛ البته این موارد در شعر او اندک است.



شاملو نگران مردم زمان خویش است و در فرازهایی از شعرش به آنها هشدار می دهد که از «به خویش اندر شدن» و «سرگردانی» بر حذر باشند. شاعر گاه در شعرش به قصد استرحام از عجز و ناتوانی سخن می گوید البته بر خی واقع با بیان صفات و ویژگیهای خود تفاخر می کند که چنین فردی اکنون اینگونه عاجز و ناتوان شده است. اعتراضهای شاملو به نابسامانیهای عصر خویش در بخشی از شعرش به شکل تعریض آشکار می شود که در این قسمت سخنش گزنده و کنایه آمیز می شود.

۲- تحلیل مقاصد ثانوی جمله های خبری در منتخبی از شعر شاعران نیمایی

جریان حقیقی تغییر سبک توسط نیمایوشیخ آغاز شد در این شیوه، شعر در هر سه سطح زبان و فکر و ادبیات دچار تحول بنیادی شد و از شعر سنتی کاملاً متمایز گردید. البته ریشه های هر سه سبک مهم شعر فارسی را می توان در شعر نو ردیابی کرد به عنوان مثال نشانه هایی از سبک خراسانی در نیما و شاملو و اخوان و نشانه هایی از سبک عراقی در فروغ و سهراب سپهری نشانه هایی از سبک هندی در شعر موج نو دیده می شود. اما نشانه های شعر دوره بازگشت در شعر شاعرانی چون ملک الشعرای بهار قابل ردیابی است (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۴۳). نکته قابل توجه در شعر این دوره عنایتی است که شاعران به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان خود دارند.

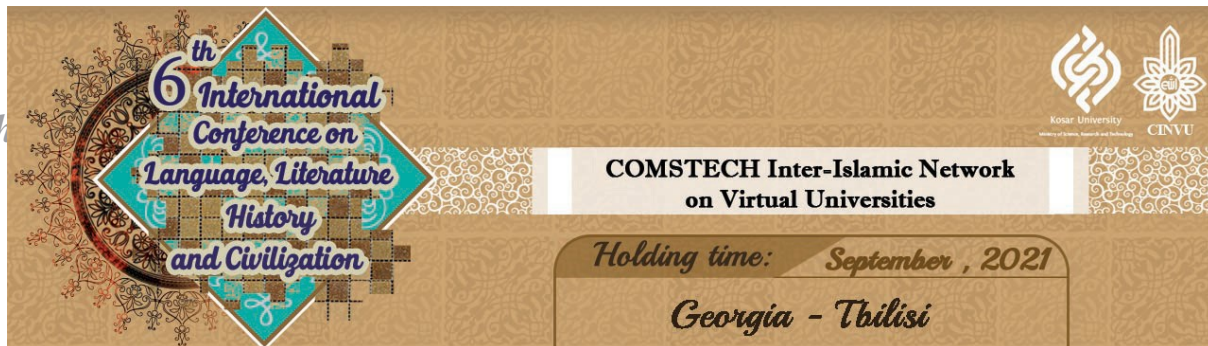
در تاریخ ادبیات فارسی در دوره مشروطیت ادبیات برای نخستین بار به مفهوم واقعی مردمی می شود و شاعران شعر خود را در خدمت مسائل سیاسی و اجتماعی قرار می دهند. در این دوره شاعران بزرگی هستند که به مسائل سیاسی روز توجه می کنند (همان: ۳۴۰).

به نظر می رسد در این دوره در شعر شاعرانی چون نیما و شمس تبریزی مسائل جامعه به صورت نهادین مطرح می شود. نیما از عناصر طبیعت برای بیان مطالب خود به عنوان نماد بهره می گیرد و ویژگی اصلی شعر او زبان نهادین آن است.

دقت در شعر شاملو و اخوان نشان می دهد این دو نیز به مسائل جامعه زمان خود عنایت خاص داشته اند و فضای جامعه آن روز در شعر آنها منعکس شده است و حزن و اندوهی که در شعر شاعران این دوره به خصوص شاعرانی نظیر این دو نفر وجود دارد احتمالاً ناشی از فضای سیاسی - اجتماعی خاص آن زمان است زیرا آنها سعی می کرده اند مسائل اجتماعی زمان خود را در شعرشان مطرح کنند.

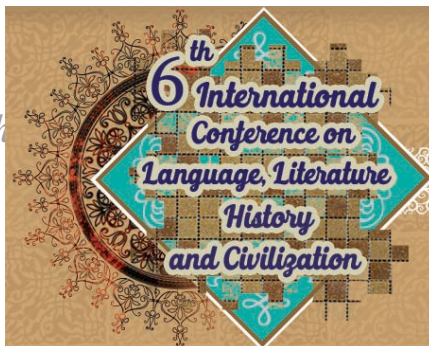
البته در همین دوران شاعری چون سپهری ظهور می کند که شعرش تقریباً درونگراست و به ندرت مسائل اجتماع در آن منعکس می شود و شاید خود این حالت روحیه شاعر ناشی از فضای جامعه بوده است.

البته تأمل در بسامد مقاصد ثانوی جمله های خبری در شعر این شاعران هم نشان می دهد که بازتاب همین مشکلات و معضلات اجتماعی در شعر آنهاست که بیشترین گزاره های خبری در شعر آنها برای اظهار تأثر و غم و اندوه است و مقصد یا غرض غالب در بین اغراض جمله ها را در بر می گیرد پس از این با فاصله ای بسیار زیاد بشارت به شادی و نشاط در اغراض جمله های خبری در رتبه دوم است و این هم نشان می دهد که این شاعران در عین اینکه با غم و



اندوه‌های جامعه و مردم زمانشان همراه هستند همچنین سعی می‌کنند بشارت به رفع این تأثیرات و امید به شادی و نشاط را در مردم زنده کنند. سایر اغراض بدون تفاوت و فاصله چشمگیری در مجموع به صورت مساوی از ژرف ساخت معنایی در شعر این شاعران فهمیده می‌شود. هشدارها و توبیخ و ملامت‌ها هم ردیف ترغیب و تشویق و امیدواری است. البته فراوانی اغراض مشترک و تنوع اغراض در کلام هر کدام از این شاعران تفاوت معناداری دارد و اگر چه همه این شاعران در بین جریان‌های شعری معاصر از شاعران سمبولیسم اجتماعی به شمار می‌آیند (ر.ک. حسین پور جافی، ۱۳۹۰: ۲۸۹-۱۹۳) و رویکرد شعرشان در یک راستا تلقی می‌شود اما ژرف ساختهای جمله‌های خبری آنها رویکردی یکسان ندارد. مقاصد اظهار تأثیر غم و اندوه، بشارت و اظهار شادی و نشاط و هشدار در شعر همه این شاعران با بسامد متفاوتی به کار رفته است. از بین شاعران همانگونه که پیشتر هم اشاره شد شعر سهراب تا حدودی رویکردش به مسائل اجتماعی متفاوت است (ر.ک. همان: ۲۷۶-۲۸۲) این رویکرد متفاوت در ژرف ساخت‌های معنایی نیز نمایان است مقاصدی چون توبیخ و ملامت، تشویق و ترغیب و تحقیر و تعریض در شعر او دیده نمی‌شود اما مقاصدی چون اظهار امیدواری، اظهار یأس، اظهار عجز و ناتوانی و استرحام که به نوعی از حال درونی شاعر حکایت می‌کنند در شعر او فراوان تر از سه شاعر دیگر دیده می‌شود و این کاملاً نشان دهنده سبک شخصی سهراب است و بسامد این مقاصد و چه معنایی و منظور شناسی مفاهیم در شعر هر شاعر را به خوبی مشخص می‌کند. بررسی همین مقاصد در شعر نیما تفاوت رویکرد این دو شاعر را در برخورد با جامعه نمایان می‌کند. بررسی همین مقاصد در شعر نیما تفاوت رویکرد این دو شاعر را در برخورد با جامعه نمایان می‌کند. در شعر نیما گویی دغدغه‌های اجتماعی بیشتر در رویکرد مواجبه با مخاطب شکل گرفته است و مقاصدی چون ترغیب و تشویق یا توبیخ و ملامت یا هشدار در ژرف ساخت جمله‌های خبری او شکل می‌گیرد. در شعر اخوان و شاملو نیز مفاهیم به همین صورت بیان می‌شود و اغراضی از همین نوع از شعر آنها فهمیده می‌شود؛ در صورتی که در شعر سهراب مقاصد و اغراض بیشتر به سوی خود شاعر است چه از نوع اظهار تأثیر و اندوه، اظهار یأس و ناامیدی باشد و چه اظهار شادی و نشاط، همه به نوعی از سمت شاعر شکل می‌گیرد و از او به جامعه تعمیم داده می‌شود. در حقیقت با وجود این که این شاعران همه از جریان شعری سمبولیسم اجتماعی به شمار می‌آیند اما سبک و روش آنها در مواجهه با مسائل و موضوعات اجتماعی متفاوت است و این رویکردهای گوناگون تا حد زیادی متأثر از ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت‌های فردی شاعران است و این از ویژگی‌های سبک شخصی شاعران است.

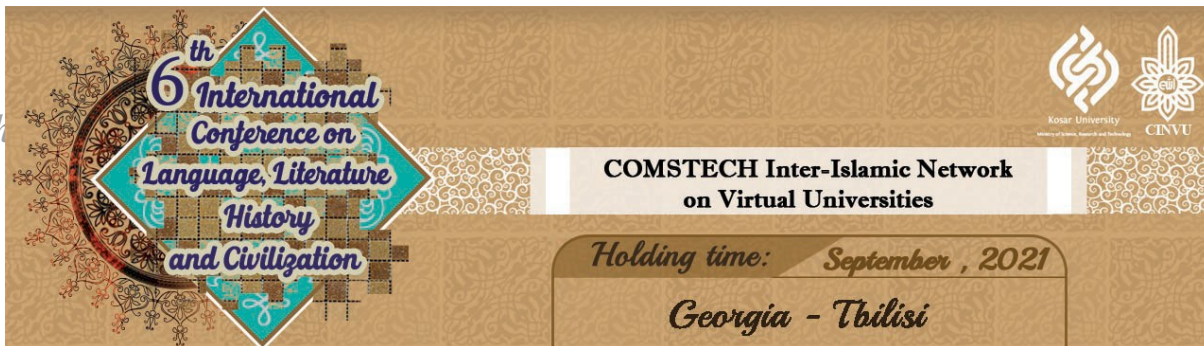
اغراض فانونی شاعران	اظهار حسرت و تأثر و غم و اندوه	بیان بشارت و اظهار شادی	اظهار اضطراب و نگرانی	استرحام و طلب یاری و کمک	تعریض	هشدار	توبیخ و ملامت	تحقیر	اظهار یأس و ناامیدی	اظهار امیدواری	اظهار عجز و ناتوانی	ترغیب و تشویق و امید دادن	مدح و ستایش یا تظیم و بزرگداشت
نیما یوشیج	۷۲	۱۴	۴	۴	—	۳	۱	۲	—	—	—	۲	—



—	—	۲	۹	۶	—	—	۲	—	۶	—	۱۰	۴۲	سهراب سپهری
—	—	—	—	۳	۴	۴	۷	۹	—	—	۱۲	۶۶	اخوان ثالث
۵	۷	۷	—	—	—	۱۰	۶	۲	—	۲	۶	۳۳	احمد شاملو

۳- نتیجه گیری

در بررسی سبک شعر نیمایی از میان شاعران این دوره، علاوه بر نیما شاعران نوپردازانی چون اخوان، شاملو و سپهری بررسی شده است. در مجموع مطلب قابل توجه در شعر دوره نیمایی؛ انعکاس حوادث سیاسی و اجتماعی در شعر اکثر شاعران این دوره است و گرچه در شعرهای این دوره نیز اظهار غم و اندوه بیشتری به سامد را در میان مقاصد ثانوی جملات خبری به خود اختصاص می دهد، ولی این غم و اندوه ناشی از غفلت و ناآگاهی مردم پر از ظلم و اختناق جامعه است. اغلب این شاعران معاصر تلاش می کنند در شعرشان با زبانی نمادین، مشکلات جامعه را بیان کنند و در صدد رفع آن برآیند. در این دوره شاعران نوپردازی چون اخوان نیز جزو پیروان سبک خراسانی محسوب می شود و می توان روش او را سبک خراسانی نو نامید. البته در این بین شاعرانی چون سهراب و جود دارند که به نظر می رسد شعرشان بیشتر درونگراست و به سبک شاعران دوره عراقی شبیه است. با وجود این ویژگی ها، این شاعران همه از جریان شعری سمبولیسم اجتماعی به شمار می آیند و با بررسی اغراض ثانوی جمله های خبری و دریافت ژرف ساختهای معنایی این گزاره ها مشخص شد سبک و روش آنها در برخورد با مسائل و موضوعات اجتماعی متفاوت است و این شیوه های گوناگون تا حد زیادی متأثر از ویژگی های شخصیتی و تفاوت های فردی شاعران است که سبک شخصی آنها را شکل می دهد. در این پژوهش مشخص شد مبحث بلاغی اغراض ثانوی خبر در تحلیل و تبیین ویژگی های سبکی جریان های ادبی و تفاوت های سبک های شخصی کاربردی و مناسب است.



منابع

- آق اولی، حسام الدین، ۱۳۴۰، دررالادب، شیراز، کتابفروشی معرفت.
- تفتازانی، سعدالدین، ۱۴۲۵ه، المطول، الطبعة الأولى، بیروت، دارالحیاه التراث العربی.
- تقوی، سید نصراله، ۱۳۶۳، هنجار گفتار، چاپ دوم، اصفهان، فرهنگسرای اصفهان.
- جرجانی، عبدالقاهر، ۱۴۲۲ه-۲۰۰۱م، دلائل الاعجاز، تحقیق عبدالحمید هندآوی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- خطیب قزوینی، جلال الدین، ۱۳۵۰ه، التلخیص، الطبعة الثانية، بیروت، دارالفکر.
- ر.پالمر، فرانک، ۱۳۸۵، نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کورش صفوی، چ چهارم، تهران، مرکز، کتاب ماد.
- رجایی، محمد خلیل، ۱۳۵۳، معالم البلاغه، چاپ دوم، شیراز، دانشگاه شیراز.
- سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۶، چ سوم، تهران، فردوس.
- سکاکی، ابی یعقوب، ۱۳۵۶ه، مفتاح العلوم، الطبعة الأولى، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۶، معانی، چ نخست از ویرایش دوم، تهران، میترا.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۸۳، تاریخ و ادبیات در ایران، چ ششم، تهران، فردوس. (جلدهای متعدد)
- غلامرضایی، محمد، ۱۳۹۱، سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، چ چهارم، تهران، جامی.
- مازندرانی، محمد هادی، ۱۳۷۶، انوارالبلاغه، به کو شش: محمدعلی غلامی نژاد، چاپ اول، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب و مرکز فرهنگی نشر قبله.
- هاشمی، احمد، ۱۴۲۵ه، جواهرالبلاغه، چاپ اول، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- همایی، جلال الدین، ۱۳۷۳، معانی و بیان، یادداشتهای استاد علامه جلال الدین همایی، به کو شش ما هدخت بانو همایی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه نشر هما.